

چالش‌های توسعه روستایی

نویسنده: سید ابوالفضل میرقاسمی
کانون توسعه کارآفرینی روستایی اندیشه پویا (تکرا)

به دلایل مختلف، طی چند دهه گذشته نسبت جمعیت شهری و روستایی معکوس شده و بیش از ۳۰ هزار روستا خالی از سکنه شده اند. در بعضی روستاها نیز فقط افراد سالخورده و از کار افتاده ساکن اند. مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها نه تنها سبب تعطیل شدن مراکز تولیدی روستایی شده؛ بلکه موجب تشدید مسائل حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها و بروز مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز گردیده است. از طرف دیگر، بخشی‌نگری و برنامه‌ریزی بالا به پایین، نظام حاکم بر برنامه‌ریزی کشور است و اکثر دستگاه‌های دولتی، بخش‌های حاکمیتی، یا موسسات خیریه و یا اعضای بخش خصوصی اقداماتی را در زمینه توسعه روستایی اجرا می‌کنند که بیش‌تر در قالب پروژه‌های زیرساختی یا خدماتی است و معمولاً در جریان کار همدیگر نیستند. در زمینه اجرای پروژه‌های توسعه روستایی، انتظار آن است که نگرشی جامع (و نه تک بُعدی) به مسایل روستا وجود داشته باشد؛ اما در عمل پراکنده‌کاری، دوباره‌کاری و یا موازی‌کاری حاکم است. به اختصار چالش‌های پیش روی توسعه پایدار، متوازن و درون زای روستاها عبارتند از:

- ۱- نامشخص بودن نقشه راه توسعه کشور و نقش روستا در آن نقشه راه.
- ۲- تعدد مراجع تصمیم‌گیری و ضعف در وحدت فرماندهی برای مدیریت روستا، به واسطه اختلاف نظر میان وزارتخانه‌های کشور و جهاد کشاورزی، معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، بنیاد مسکن و ... در خصوص تصدی‌گری و هدایت برنامه‌های توسعه روستایی.
- ۳- کم توجهی به نقش نهادهای مدنی در حکمروایی (Governance).
- ۴- ضعف سرمایه اجتماعی و در نتیجه بی‌اعتمادی مردم به همدیگر و به دولت، ضعف در مسئولیت‌پذیری و کار گروهی و مشارکتی (به شکل رقابت در استفاده بی‌رویه از منابع مشترک به جای رفاقت‌ها و صمیمیت‌های پیشین).
- ۵- کم توجهی به راهکارهای بهبود معیشت و اشتغال‌زایی در سطح جوامع روستایی (بیش‌تر توجه مسئولان به توسعه زیرساخت‌ها و موضوعات آموزشی و بهداشتی، خدماتی و بعضی اوقات رفاهی است).
- ۶- عدم ثبات قوانین، مقررات و سیاست‌های دولت در حوزه تولید و توزیع محصولات روستایی.
- ۷- بد عادت شدن مردم محلی و بالا رفتن سطح توقع مردم، انتظار بیش از حد ایشان از دولت که با پول نفت، از موهبت توسعه مجانی بهره‌مند شوند.
- ۸- بوروکراسی اداری پیچیده و سخت‌گیرانه (موانع تولید و توسعه کسب و کارهای خرد و متوسط).
- ۹- کم توجهی به دانش بومی روستائیان (و بعضی اوقات فراموش شدن دانش بومی به دلیل درگذشت و فقدان خبرگان محلی).
- ۱۰- کم توجهی به بافت سنتی، اصالت‌ها و باورها و مراسم آئینی و مذهبی روستائیان (خطر اختلاط فرهنگی و بروز بحران هویت روستا).
- ۱۱- تغییر سبک زندگی روستائیان و بالا رفتن سطح بهداشت و افزایش نسبی سطح رفاه.
- ۱۲- کم توجهی به زنجیره‌های تامین و ارزش در تولید و عرضه محصولات روستایی.

- ۱۳- نفوذ و سودجویی سلف خران، دلالتان و واسطه‌ها (زحمت اصلی و مخاطرات تولید محصول را کشاورز متحمل می‌شود؛ اما منفعت اصلی را واسطه‌ها می‌برند).
 - ۱۴- بعضی اوقات فساد اداری و برخی سوء استفاده‌ها و فرصت‌طلبی‌ها.
 - ۱۵- ضعف هماهنگی در بین بهره‌برداران محلی.
 - ۱۶- کمبود منابع اعتباری برای سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کارهای محلی.
 - ۱۷- تغییر کاربری اراضی و ساخت و سازهای غیراصولی و غیر هماهنگ با بافت روستا (نظیر ویلا سازی‌ها در مناطق خوش آب و هوا و یا دارای جاذبه‌های توریستی).
 - ۱۸- بعضی ناکارآمدی‌ها در برخی از شوراهای اسلامی روستاها (در اکثر مواقع عدم شایسته‌سالاری در انتخابات اعضای شوراهای شهر و روستا).
 - ۱۹- در بسیاری موارد ناکارآمدی دهیاران و پایین بودن سطح آگاهی ایشان و یا عدم تامین مالی ایشان و لاجرم پاره وقت بودن ایشان فعالیت هایشان (در بعضی مناطق، چند روستا دارای یک دهیار مشترک هستند).
- راهکار های پیشنهادی برای حل مسایل فوق الذکر عبارتند از:
- ۱- اجماع‌نخبگانی در تدوین استراتژی توسعه کشور.
 - ۲- تعیین نقش روستا (انتظارات از روستا در ابعاد مختلف تولیدی، خدماتی و صنعتی) و جوامع عشایری در نقشه راه توسعه کشور.
 - ۳- تعیین یک سازمان مشخص به عنوان متولی توسعه روستایی و عشایری و ابلاغ سازوکارهای ایجاد هماهنگی بین بخشی در حوزه توسعه روستایی و همچنین جلب مشارکت مردم محلی.
 - ۴- تقویت نقش و جایگاه نهادهای مدنی در فرآیند حکمرانی (تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری).
 - ۵- حفظ ثبات در فرآیند سیاست‌گذاری، اصلاح ساختارها، قوانین و مقررات.
 - ۶- اعتمادسازی، آگاهی بخشی، ایجاد حساسیت و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح جوامع روستایی و عشایری.
 - ۷- تدوین و اجرای سازوکارهای هماهنگی در سطوح مختلف (در میان مردم و بهره‌برداران محلی و در میان دستگاه‌های دولتی و همچنین بین دولتی‌ها و مردم).
 - ۸- ظرفیت‌سازی و توان‌افزایی در سطح شوراهای اسلامی، دهیاری‌ها و بهره‌برداران محلی.
 - ۹- ارائه خدمات آموزشی و ترویجی درست و کاربردی برای افزایش بهره‌وری و بهبود زنجیره ارزش.
 - ۱۰- توجه به اصول و مبانی توسعه پایدار، متوازن و درون‌زا.
 - ۱۱- رعایت ابعاد مختلف توسعه و توجه کافی به ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، محیط‌زیستی، ساختاری، نهادی، کالبدی و امنیتی (نظیر پدافند غیرعامل) در تهیه و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای.
 - ۱۲- برنامه‌ریزی اصولی و کاربردی جهت ارتقای سطح آگاهی عمومی (تعامل درست شهروندان و روستائینان).
 - ۱۳- اجرای درست و دقیق قانون رفع موانع تولید و استفاده بیش‌تر از ظرفیت بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs).
 - ۱۴- مطالعه و تقویت زنجیره ارزش و ایجاد ارزش افزوده متناسب با شرایط هر منطقه.
 - ۱۵- شفاف‌سازی و اجتناب از تبعیض و همچنین ارائه فرصت‌های برابر برای همه روستائیان و عشایر.

۱۶- استفاده از رویکردهای توسعه مشارکتی فناوری (ترکیب دانش بومی و دانش نوین برای ارایه راه حل‌های مناسب در هر منطقه).

۱۷- رعایت حقوق مالکیت به خصوص تعیین تکلیف مالکیت اراضی کشاورزی و خاتمه دادن به پرونده‌های اختلافی سنواتی بین مردم محلی و دولت (اراضی ملی و دولتی).
انتظار می‌رود به واسطه یک عزم و وفاق ملی و هماهنگی و همکاری موثر نهادهای ذیربط، مسایل مبتلا به روستاها و جوامع عشایری هر چه سریع‌تر، سر و سامان پیدا کنند و ضمن کنترل روند مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها، آبادانی و نقش تولیدی و خدماتی روستاها و جوامع عشایری رونق بیشتری یافته و فضای نشاط، شادابی در جوامع محلی تقویت شود.



یک روستای طبقاتی در مناطق کوهستانی کردستان (تصویر برگرفته از وبسایت:

dreamstime.com